فاکتورهای صوری منفذ خروج در آمدهای مالیاتی

فاکتوری که پشت آن خریدوفروش واقعی وجود ندارد، ممکن است برای صادرکننده تنها یک برگ سند یا ثبت الکترونیکی باشد، اما برای استفاده‌کننده راهی برای کاهش مالیات باز کند. اهمیت مقابله با این اسناد، در شرایط محدودیت منابع دولت، به شمار پرونده‌های کشف‌شده خلاصه نمی‌شود. مسئله دیگر، جلوگیری از کاهش غیرقانونی مالیات و حفظ رقابت برای بنگاه‌هایی است که معاملات واقعی خود را شفاف ثبت می‌کنند.

در تازه‌ترین توضیحات مسئولان مالیاتی در هجدهمین نمایشگاه نظام مالی، محمد نوری؛ مدیرکل دفتر توسعه خوداظهاری و تمکین داوطلبانه سازمان امور مالیاتی، اعلام کرده تعداد شرکت‌های صوری شناسایی‌شده، در مقایسه پیش و پس از راه‌اندازی سامانه مؤدیان، از حدود چهار هزار به حدود ۱۵ هزار رسیده است. به گفته او، زمان شناسایی نیز از بیش از یک سال به کمتر از سه ماه کاهش یافته است.

همزمان، موحدی بک‌نظر؛ سخنگوی سازمان امور مالیاتی، در اظهارات اخیر خود از جلوگیری از حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در مجموعه اقدامات سامانه‌ای و برنامه افشای داوطلبانه خبر داده است. این رقم، ظرفیت مالی مقابله با تخلف را نشان می‌دهد، اما در اطلاع‌رسانی موجود تفکیک نشده که چه مقدار آن مالیات قطعی، وصول نقدی یا پیشگیری از پذیرش اعتبار ناموجه بوده است؛ بنابراین نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که ۳۰ همت به خزانه واریز شده است.

۲ مسیر کاهش مالیات

صورتحساب غیرواقعی می‌تواند از دو مسیر بر مالیات اثر بگذارد. مسیر نخست، ثبت هزینه‌ای است که واقعاً تحقق نیافته یا مبلغ آن بیش از واقع نشان داده شده است. اگر این مبلغ به‌عنوان هزینه قابل قبول همان دوره پذیرفته شود، سود مشمول مالیات کاهش می‌یابد. صرف ثبت خرید نیز لزوماً به‌معنای هزینه همان دوره نیست؛ ممکن است خرید در موجودی کالا یا دارایی ثبت شود و اثر مالیاتی آن در زمان دیگری ظاهر شود.

مسیر دوم، ساختن اعتبار مالیات بر ارزش افزوده است. طبق ماده ۸ قانون ارزش افزوده، مالیات خریدهای واجد شرایط از مالیات فروش کسر می‌شود. این سازوکار برای جلوگیری از مالیات‌ستانی مکرر در زنجیره تولید و توزیع ضروری است؛ اما سندِ فاقد معامله واقعی می‌تواند برای مطالبه اعتباری به‌کار رود که استحقاق آن وجود ندارد.

سخنگوی سازمان نیز در تشریح سازوکار فاکتورفروشی توضیح داده است که شرکت‌های صوری، خریدارانی را برای استفاده از اعتبار مالیاتی معرفی می‌کردند، در حالی که وصول مالیات از خود آنها امکان‌پذیر نبود. به‌گفته او، اطلاعات خریدوفروش در کارپوشه طرفین ثبت می‌شود و ابزارهای ارزیابی ریسک، امکان شناسایی پیشینی فعالیت‌های مشکوک را فراهم می‌کنند. اهمیت این تغییر، حرکت از کشف دیرهنگام سند به کنترل زنجیره استفاده از آن است.

پرونده‌های اعلام‌شده کرمان، نمونه‌ای از ابعاد اسناد غیرواقعی است. ۲۰ مهر، رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان، از شناسایی ۷۱۳۴ میلیارد تومان صورتحساب غیرواقعی برای یک مؤدی در سنوات ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ و ۱۱۱۵ میلیارد تومان برای مؤدی دیگری در سنوات ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ خبر داده است.

شفاف‌سازی با سامانه مؤدیان

اهمیت سامانه‌ای‌شدن مالیات، در ایجاد اطلاعات امکان‌پذیر می‌شود. البته تطابق دو ثبت، به‌تنهائی واقعی‌بودن معامله را اثبات نمی‌کند؛ ممکن است اطلاعات ظاهراً سازگار باشند، اما پشت آنها کالا یا خدمت واقعی وجود نداشته باشد.

در چنین ساختاری، تحلیل شبکه معاملات اهمیت پیدا می‌کند. از نظر تحلیلی، به‌جای توقف در یک فاکتور، می‌توان روابط یک صادرکننده با مجموعه خریداران و مسیر انتقال اعتبار را بررسی کرد. این قابلیت کمک می‌کند رسیدگی از شرکت کاغذی فراتر برود و به بنگاه‌های منتفع برسد. همچنین، تکرار ارتباط با مؤدیان پرریسک یا تغییر غیرمتعارف حجم معاملات معاملات واقعی را بی‌دلیل مشکوک اعلام کند، هزینه فعالیت اقتصادی و اعتراض مالیاتی را افزایش می‌دهد. بنابراین، کیفیت داده، به‌روزرسانی معیارها و امکان اصلاح خطا، بخشی از کارایی سامانه‌اند.

استفاده‌کننده نهائی هم باید دیده شود

شناسایی شرکت کاغذی زمانی اثر کامل دارد که مشخص شود کدام بنگاه از اسناد آن استفاده کرده است. شرکت واسط ممکن است دارایی قابل وصول نداشته باشد، اما منفعت کاهش مالیات در حساب‌های استفاده‌کننده سند ظاهر شده باشد. از این منظر، تعداد شرکت‌های شناسایی‌شده شاخص آغاز کار است؛ رد می‌تواند علامتی برای بررسی بیشتر باشد؛ نه دلیلی مستقل برای اثبات تخلف.



کنترل پیشگیرانه اعتبار نیز مکمل این ردیابی است. ماده ۶ قانون، برای صدور صورتحساب حدمجاز تعیین کرده و عبور از آن را به پرداخت مالیات مربوط، تعیین ترتیب پرداخت بدهی یا ارائه تضمین کافی پیوند داده است؛ در غیر این صورت، صورتحساب مازاد فاقد اعتبار مالیاتی خواهد بود. کارکرد این قاعده، محدودکردن امکان ایجاد اعتبار بدون پشتوانه متناسب است. اجرای دقیق آن باید همزمان با رشد واقعی فعالیت بنگاه و نیاز کسب‌وکارهای تازه‌تأسیس سازگار باشد.

هوشمندسازی، مرحله استفاده از این داده‌ها برای اولویت‌بندی رسیدگی است. موتور ریسک می‌تواند پرونده‌های نیازمند بررسی را از میان انبوه معاملات جدا کند تا ظرفیت حسابرسی بر موارد پرریسک متمرکز شود. در ارزیابی فنی چنین ابزاری، علاوه‌بر کشف تخلف، میزان هشدار اشتباه نیز اهمیت دارد؛ الگوریتمی که قابل تطبیق از دو سوی معامله است. در رسیدگی متکی به اسناد پراکنده، بررسی خرید یک بنگاه و فروش طرف مقابل می‌تواند در پرونده‌های جداگانه و با فاصله زمانی انجام شود. در مقابل، ثبت ساختاریافته صورتحساب، امکان ارتباط‌دادن این دو رویداد را فراهم می‌کند. از نظر فنی، خریدی که مبنای مطالبه اعتبار شده، باید در زنجیره اطلاعات فروش طرف مقابل نیز قابل ردیابی باشد.

ماده ۵ قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، انتقال صورتحساب فروشنده به کارپوشه خریدارِ عضو سامانه و امکان اعلام پذیرش یا عدم پذیرش آن را پیش‌بینی کرده است. این ارتباط، مبنایی برای کنترل متقابل اطلاعات فراهم می‌کند؛ یعنی بررسی ادعای خرید، با مراجعه به داده ثبت‌شده طرف فروش نیز اعتبار غیرواقعی، اصلاح مالیات و وصول مستند، نتیجه مالی آن را روشن می‌کند.

فاکتوری که پشت آن خریدوفروش واقعی وجود ندارد، ممکن است برای صادرکننده تنها یک برگ سند یا ثبت الکترونیکی باشد، اما برای استفاده‌کننده راهی برای کاهش مالیات باز کند. اهمیت مقابله با این اسناد، در شرایط محدودیت منابع دولت، به شمار پرونده‌های کشف‌شده خلاصه نمی‌شود. مسئله دیگر، جلوگیری از کاهش غیرقانونی مالیات و حفظ رقابت برای بنگاه‌هایی است که معاملات واقعی خود را شفاف ثبت می‌کنند.

صورتحساب غیرواقعی می‌تواند از دو مسیر بر مالیات اثر بگذارد. مسیر نخست، ثبت هزینه‌ای است که واقعاً تحقق نیافته یا مبلغ آن بیش از واقع نشان داده شده است. مسیر دوم، ساختن اعتبار مالیات بر ارزش افزوده است. طبق ماده ۸ قانون ارزش افزوده، مالیات خریدهای واجد شرایط از مالیات فروش کسر می‌شود.

ثبت الکترونیکی، امکان تطبیق اطلاعات را فراهم می‌کند، اما به‌تنهائی جای اثبات اصالت معامله را نمی‌گیرد. بررسی اسناد تحویل کالا یا انجام خدمت، موجودی، گردش وجوه و تناسب معاملات با ظرفیت فعالیت، به تشخیص دقیق‌تر کمک می‌کند. نبود پرداخت نقدی نیز به‌تنهائی دلیل صوری‌بودن نیست، چراکه معامله می‌تواند اعتباری باشد. خطای ثبت، معامله واقعی با فروشنده متخلف و مشارکت آگاهانه در معامله غیرواقعی، وضعیت‌های متفاوتی هستند که نباید با هم اشتباه گرفته شوند.

این دقت برای حفاظت از شهروندان نیز اهمیت دارد. سبحانیان، رئیس سازمان امور مالیاتی در توضیحات ۲۸ مهر درباره پیامک‌های معاملات ثبت‌شده به نام اشخاص، بر امکان رد اطلاعاتی که مؤدی آن را قبول ندارد تأکید کرده بود. چنین امکانی باید با رسیدگی روشن و قابل پیگیری همراه باشد تا بار اثبات معاملات نامرتبط بر دوش اشخاص بی‌اطلاع باقی نماند.

برای ارزیابی دستاورد سامانه‌ها، انتشار جداگانه ارزش اسناد کشف‌شده، اعتبار ردشده، مالیات قطعی و وصول واقعی ضروری است. همچنین اعلام زودهنگام مغایرت و فراهم‌کردن فرصت ارائه مستندات، می‌تواند هم خطا را کاهش دهد و هم رسیدگی را بر پرونده‌های پرریسک متمرکز کند. نوری، مدیرکل دفتر توسعه خوداظهاری و تمکین داوطلبانه نیز در توضیحات اخیر خود از برنامه اعلام مغایرت‌ها پیش از رسیدگی، برای اصلاح داوطلبانه اطلاعات خبر داده است.

سرویس اقتصادی

تبدیل آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی به زیرساخت توسعه صنعتی در چین



چین درحال گسترش آزمایشگاه‌های مجهز به هوش مصنوعی است که در آنها مراحل مختلف پژوهش، از طراحی فرضیه و اجرای آزمایش تا تحلیل نتایج، با حداقل مداخله انسانی انجام می‌شود. هدف این تحول صرفاً افزایش توان علمی نیست، بلکه کاهش هزینه تحقیق و توسعه، تسریع تجاری‌سازی فناوری و تقویت رقابت‌پذیری صنایع چین است. دولت این کشور نیز با توسعه زیرساخت‌های مشترک، تلاش می‌کند ظرفیت هوش مصنوعی را در خدمت نیازهای تولید صنعتی قرار دهد.

نقش دولت چین

در برنامه پنج‌ساله پانزدهم چین برای دوره ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰، توسعه کاربردهای صنعتی هوش مصنوعی و تسریع پژوهش‌های علمی مبتنی بر این فناوری مورد تأکید قرار گرفته است. دولت برای تحقق این هدف، مجموعه‌ای یکپارچه از داده‌های تخصصی، مدل‌های هوش مصنوعی و ظرفیت پردازشی را توسعه می‌دهد تا دانشگاه‌ها و بنگاه‌ها بتوانند از آن برای فعالیت‌های پژوهشی استفاده کنند.

یکی از مهم‌ترین اجزای این برنامه، سکوی ScienceOne موسوم به «پانشی» است که توسط آکادمی علوم چین توسعه یافته است. نسخه جدید این سکو که در آوریل ۲۰۲۶ معرفی شد، شامل هشت مدل تخصصی و بیش از ۲ هزار ابزار پژوهشی در حوزه‌هایی مانند فیزیک، زیست‌شناسی و علم مواد است. این زیرساخت می‌تواند با کاهش نیاز بنگاه‌ها به سرمایه‌گذاری مستقل در تجهیزات و ابزارهای پیشرفته، هزینه ورود آنها به فعالیت‌های تحقیق و توسعه را کاهش دهد.

ابزار کاهش هزینه پژوهش

در آزمایشگاه‌های نسل جدید، مدل‌های هوش مصنوعی فرضیه‌های علمی را تدوین می‌کنند، ربات‌ها آزمایش‌های موردنیاز را انجام می‌دهند و نتایج برای اصلاح مراحل بعدی به سامانه بازمی‌گردد. این فرآیند امکان اجرای پیوسته آزمایش‌ها و کاهش زمان دستیابی به نتایج را فراهم می‌کند.

شرکت چینی اکستال‌پی (XtalPi) در شهر شنژن یکی از نمونه‌های پیشرو این حوزه است. آزمایشگاه‌های این شرکت به‌صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کنند و در سال ۲۰۲۵ از طریق بررسی میلیون‌ها ساختار مولکولی احتمالی، به شناسایی ترکیبات امیدوارکننده برای درمان نوعی سرطان معده کمک کردند.

به‌گفته مدیران این شرکت، پس از راه‌اندازی آزمایشگاه، برق یکی از هزینه‌های اصلی فعالیت مستمر آن است. البته سرمایه‌گذاری اولیه، کیفیت داده‌ها و ضرورت تأیید نتایج همچنان از محدودیت‌های این الگو محسوب می‌شوند.

گسترش کاربردها

شرکت اکستال‌پی اکنون به ۱۷ شرکت از ۲۰ شرکت بزرگ داروسازی جهان خدمات ارائه می‌کند. همزمان، طبق ارزیابی گلدمن ساکس، سهم شرکت‌های چینی از ارزش قراردادهای جهانی واگذاری مجوز توسعه دارو در سال ۲۰۲۵ به حدود ۵۰ درصد رسیده است؛ در حالی که این سهم در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۱ درصد بود.

نمونه دیگری از تجاری‌سازی این فناوری، قرارداد شرکت اینسیلیکو مدیسین با شرکت آمریکایی ایلای لیلی در مارس ۲۰۲۶ است. ارزش بالقوه این همکاری برای توسعه داروهای جدید با استفاده از هوش مصنوعی، با احتساب پرداخت‌های مشروط، به دو میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار می‌رسد.

در صنعت خورشیدی نیز اکستال‌پی با همکاری جینکوسولار پروژه ایجاد یک آزمایشگاه هوشمند را آغاز کرده است. این مجموعه قرار است ظرفیت آزمایش روزانه هزار نمونه سلول خورشیدی را فراهم کند؛ در حالی که یک پژوهشگر در روش‌های متعارف ممکن است روزانه تنها یک یا دو نمونه جدید تولید کند. هدف این همکاری، تسریع کشف مواد و ترکیبات مناسب برای افزایش بازده سلول‌های خورشیدی است.

تفاوت رویکرد چین و آمریکا

آمریکا نیز با اجرای برنامه «مأموریت جنسیس» در پی استفاده از هوش مصنوعی برای تسریع اکتشافات علمی است. با این حال، به گزارش اکونومیست، شرکت‌های آمریکایی فعال در آزمایشگاه‌های خودکار بیشتر از سرمایه خطرپذیر استفاده می‌کنند و برخی بر پژوهش‌های بلندپروازانه و بلندمدت تمرکز دارند.

در مقابل، بسیاری از شرکت‌های چینی به‌دنبال حل مسائل مشخص صنعتی و دستیابی سریع‌تر به محصولات قابل فروش هستند. دولت چین نیز با تأمین داده‌های علمی، توان پردازشی و زیرساخت‌های مشترک، از گسترش این فعالیت‌ها پشتیبانی می‌کند.

این الگو نشان می‌دهد که مزیت اقتصادی هوش مصنوعی تنها در توسعه مدل‌های پیشرفته نیست، بلکه در اتصال ظرفیت پژوهشی به نیازهای واقعی بخش تولید نیز شکل می‌گیرد. چین از این مسیر به‌دنبال کاهش فاصله میان اکتشاف علمی و تولید تجاری، افزایش بهره‌وری تحقیق و توسعه و کاهش وابستگی صنایع خود به فناوری‌های خارجی است.

چین با ترکیب هوش مصنوعی، رباتیک، داده‌های علمی و توان پردازشی، درحال ایجاد نسل جدیدی از آزمایشگاه‌های خودکار است که می‌توانند فرآیند تحقیق و توسعه صنعتی را سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر کنند. دولت این کشور با توسعه سکوهای مشترک علمی و فراهم کردن دسترسی دانشگاه‌ها و بنگاه‌ها به زیرساخت‌های تخصصی، زمینه تجاری‌سازی فناوری را فراهم کرده است.

گسترش این الگو در صنایع دارویی، مواد پیشرفته و تجهیزات خورشیدی نشان می‌دهد که چین به دنبال تبدیل ظرفیت هوش مصنوعی به مزیت رقابتی در تولید صنعتی و کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی است.

مسیر اقتصاد

فرصت طلایی ایران برای واردات زمینی از چین

رشد تجارت چین با کشورهای آسیای مرکزی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل در این منطقه، فرصت تازه‌ای را پیش روی ایران قرار داده تا با فعال‌سازی مسیرهای زمینی، بخشی از جریان واردات کالا از چین را از مسیر آسیای مرکزی و به‌صورت جاده‌ای به کشور منتقل کند.

بعد از اعمال محدودیت‌های آمریکا ضد بنادر جنوبی ایران، مسیرهای زمینی کشور برای تجارت با چین فعال شدند که مسیرهای عبوری از کشورهای آسیای مرکزی به‌خصوص ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان در صدر این مسیرها هستند.

رشد ۳ برابری تجارت چین با آسیای مرکزی

بر اساس تازه‌ترین گزارش بانک توسعه اوراسیا، ارزش تجارت چین با پنج کشور آسیای مرکزی از ۲۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۰ به نزدیک ۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ رسیده و تقریباً سه برابر شده است.

چین در سال ۲۰۲۵ به بزرگ‌ترین شریک تجاری آسیای مرکزی تبدیل شده و نزدیک به ۳۰ درصد تجارت کالایی این منطقه را به خود اختصاص داده است. این رشد تجاری مستقیماً به افزایش جریان حمل‌ونقل منجر شده است. در سال ۲۰۲۵ حدود ۵۱ میلیون تن کالا میان چین و آسیای مرکزی از طریق راه‌آهن و جاده جابه‌جا شده که ۱۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تن آن جاده‌ای و ۳۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تن ریلی بوده است. همچنین حجم این حمل‌ونقل در ۱۰ ماه نخست سال ۲۰۲۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل هشت درصد افزایش داشته است.

در همین شرایط، انتشار تصاویر صف حدود ۴۰ کیلومتری کامیون‌ها در مرز قزاقستان و ازبکستان، توجه‌ها را به افزایش جریان کالا در این مسیر جلب کرد. هر چند گمرک ازبکستان اعلام کرده این تصاویر مربوط به چند روز قبل بوده و شرایط مرز اکنون عادی‌تر شده است اما افزایش حجم تردد کامیون‌ها نشان‌دهنده رشد واقعی جریان تجاری در منطقه است.

بر اساس آمار گمرک ازبکستان، تعداد کامیون‌های عبوری از گذرگاه‌های مرزی این کشور و قزاقستان از ۱۱۶۵ دستگاه در روز در سال ۲۰۲۱ به ۳۱۳۰ دستگاه در روز در نوامبر ۲۰۲۶ رسیده که رشدی حدود دو و هفت دهم برابری را نشان می‌دهد.

مسیر آزموده شده

اهمیت این موضوع برای ایران زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم مسیر چین، خورگوس، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و ایران پیش از این نیز در قالب حمل‌ونقل بین‌المللی TIR مورد استفاده قرار گرفته است. سازمان بین‌المللی حمل‌ونقل جاده‌ای (IRU) در سال ۲۰۲۴ از انتقال محموله‌ای از شانگهای چین به ایروان ارمنستان از مسیر چین، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و ایران خبر داده است؛ مسیری که کامیون در قالب TIR طی کرده است.

همچنین در سال ۲۰۲۵ یک محموله TIR از چین پس از طی حدود شش هزار کیلومتر و عبور از خورگوس، قزاقستان و ازبکستان در مدت هشت روز به عشق‌آباد رسید که نشان‌دهنده قابلیت عملیاتی این مسیر زمینی است.

از سوی دیگر، قزاقستان و چین با توسعه گذرگاه‌های مرزی و افزایش ظرفیت عبور کالا، در حال تقویت این شبکه هستند. شبانه‌روزی شدن فعالیت گذرگاه خورگوس در مرز چین و قزاقستان نیز به افزایش جریان ورود کالا از چین و تغییر مسیرهای ترانزیتی در آسیای مرکزی کمک کرده است. براساس گزارش بانک توسعه اوراسیا، قزاقستان حدود ۸۴ درصد از کل جریان حمل‌ونقل چین و آسیای مرکزی را پوشش می‌دهد.

ایران چگونه می‌تواند سهم بگیرد؟

در چنین شرایطی، ایران می‌تواند با تقویت هاب‌های لجستیکی در نقاطی مانند تاشکند و مناطق پیرامون خورگوس، توسعه مسیر ازبکستان-ترکمنستان-ایران و افزایش ظرفیت پایانه‌های مرزی، سهم بیشتری از جریان کالاهای چینی به سمت بازار ایران و کشورهای منطقه جذب کند.

ایجاد و تقویت مراکز لجستیکی، انبارها و پایانه‌های مرزی می‌تواند علاوه‌بر تأمین بخشی از نیاز وارداتی کشور، زمینه افزایش فعالیت ناوگان ایرانی در حمل‌ونقل ترانزیتی میان چین، آسیای مرکزی و غرب آسیا را نیز فراهم کند.

در واقع، صف کامیون‌ها در مرز قزاقستان و ازبکستان را نباید صرفاً یک اختلال مرزی دید؛ این اتفاق در کنار رشد سه‌برابری تجارت چین و آسیای مرکزی، افزایش دو و هفت دهم برابری تردد کامیون‌ها و رشد هشت درصدی حمل‌ونقل در سال جاری، نشانه بزرگ‌تر شدن یک بازار لجستیکی است که ایران می‌تواند با توسعه مسیرهای زمینی خود، بخشی از آن را به سمت شبکه حمل‌ونقل کشور هدایت کند.

خبرگزاری فارس



صکوک جنگ
نسخه تازه دولت برای تأمین مالی

مقاومت و پیروزی کشور در افق شش‌ماهه آینده، امروز بر هر اولویت دیگری در نظام تصمیم‌گیری مقدم است. در نبردی که ابعاد آن فراتر از یک درگیری نظامی محدود و در قالب جنگ ترکیبی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی شده، تأمین مالی فوری و پایدار هزینه‌های دفاعی به مهم‌ترین دغدغه نظام مدیریت مالی بخش عمومی تبدیل شده است.

واقعیت آن است که موکول کردن بار مالی جنگ به سال‌های آتی و انتشار اوراق بدهی، نه یک انتخاب ایده‌آل، بلکه «خیرالموجودین» برای حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از فروپاشی زیرساخت‌های مالی کشور در کوتاه‌مدت است. در چنین شرایطی، طراحی و انتشار «صکوک جنگ» به‌عنوان یکی از ابزارهای مالی اسلامی، دقیق‌ترین پاسخ به این نیاز راهبردی است.

تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که برخی دولت‌های درگیر جنگ، اوراق بدهی جنگ منتشر کرده و بانک‌های سرمایه‌گذاری با پذیره‌نویسی این اوراق، نقش اصلی را در این تأمین مالی ایفا کرده‌اند. انتشار اوراق کمک کرده تا این کشورها بار سنگین جنگ را از طریق بازار بدهی و نه صرفاً منابع بودجه‌ای مدیریت کنند.

ما نیز در شرایطی قرار داریم که کسری بودجه سال ۱۴۰۵ بر اساس برآوردهای تحلیلگران خبره به حدود یک‌هزار میلیارد تومان می‌رسد و کسری تراز عملیاتی نیز حدود ۶۱۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. در چنین شرایطی، پوشش هزینه‌های جنگ از طریق استقراض از بانک مرکزی، پایه پولی را منبسط کرده و تورم را تشدید می‌کند.

حجم نقدینگی کشور در مهرماه ۱۴۰۵ بالغ بر ۱۹ هزار و ۳۱۶ هزار میلیارد تومان و رشد سالانه آن ۵۰ و ۹ دهم درصد گزارش شده است. تورم دوازده‌ماهه منتهی به مهر ۱۴۰۵ نیز ۷۱ و چهار درصد اعلام شده است. در چنین محیط تورمی، هرگونه تأمین مالی پولی، بحران را تعمیق می‌کند. صکوک جنگ، ابزاری است که نقدینگی مازاد موجود در دست خانوارها و نهادها را به سمت تأمین مالی دفاع هدایت می‌کند، بدون آنکه باری بر پایه پولی تحمیل کند.

مهندسی مالی صکوک جنگ

نکته کلیدی در طراحی صکوک جنگ، پرهیز از نرخ ثابت است. در حال حاضر نرخ سود اوراق صکوک در بازار سرمایه ایران عمدتاً ثابت و در حدود ۲۳ درصد تعیین می‌شود، در حالی که تورم ۷۱ درصدی، بازده واقعی این اوراق را به‌شدت منفی می‌کند و انگیزه خرید را از بین می‌برد. راه‌حل، استفاده از صکوک اجاره به شرط تملیک با اجاره شناور است.

در این ساختار، دولت دارایی واقعی (زیرساخت یا تجهیزات) را به یک شرکت واسط منتقل می‌کند، واسط صکوک را منتشر و دارایی را به دولت اجاره می‌دهد. فرمول اجاره هر دوره ترکیبی از یک نرخ پایه ثابت و ضریبی از تورم دوره قبل، با سقف مشخص (مثلا ۴۵ تا ۵۰ درصد) است. کمیته فقهی سازمان بورس شناورسازی نرخ صکوک را تصویب کرده و این سازوکار از نظر شرعی و مقرراتی قابل اجراست.

سررسیدها باید لایه‌ای (یک، سه و پنج ساله) و بازپرداخت اصل به‌صورت اقساط سالانه باشد تا «صخره سررسید» شکل نگیرد. تأسیس صندوق ذخیره بازپرداخت که بخشی از عواید به آن واریز شود، از نیاز به استقراض مجدد در زمان سررسید جلوگیری می‌کند. این اوراق باید در چارچوب قانون بازار اوراق بهادار و با نظارت سازمان بورس در فرابورس پذیرش شوند تا نقدشوندگی و شفافیت تضمین شود.

بار مالی تعهدات و افق بازپرداخت

دولت در ماه‌های پیشِ رو با حجم قابل توجهی از سررسیدهای اوراق منتشرشده مواجه است، به‌طوری که در بهمن و اسفندماه ۱۴۰۵ باید بیش از ۱۹۳ هزار میلیارد تومان تعهدات بازپرداخت اصل و فرع اوراق منتشره تسویه شود. انتشار اوراق جنگ با ساختار استهلاک تدریجی، بار مالی را در طول زمان توزیع می‌کند و از یک شوک نقدینگی در سال‌های ۱۴۰۵ تا ۱۴۰۷ جلوگیری می‌نماید. تمدید خودکار در صورت بروز اختلالات جنگی، دریچه امنی است که از اعلام رسمی نکول جلوگیری می‌کند.

براساس بررسی‌های به عمل آمده، راهکارهای اجرائی و سیاستی ذیل پیشنهاد می‌شود؛

قفل‌کردن فرمول در اسناد انتشار؛ ریسک اصلی اوراق جنگ برای سرمایه‌گذار، تغییر یک‌طرفه شرایط توسط دولت در شرایط اضطراری است. اگر دولت در آینده نرخ کوپن را کاهش دهد، سررسید را تمدید کند یا پرداخت را متوقف کند، اعتماد عمومی به‌سرعت فرو ریخته و عرضه‌های بعدی با شکست مواجه می‌شوند. راهکار این است که فرمول محاسبه اجاره (نرخ پایه ثابت + ضریب تورم + سقف) و سازوکار استهلاک تدریجی در اساسنامه صکوک و دستورالعمل انتشار تثبیت شود و هرگونه تغییر نیازمند مصوبه شورای عالی بورس باشد، نه تصمیم اداری. این «قفل حقوقی» به سرمایه‌گذار اطمینان می‌دهد که بازدهی مورد انتظارش دستخوش تصمیمات خلق‌الساعه نخواهد شد.

مشوق‌های مالیاتی و وثیقه‌ای؛ جذابیت اقتصادی اوراق جنگ باید فراتر از نرخ بازدهی درنظر گرفته شود. در مرحله نخست، معافیت مالیاتی سود یا اجاره حاصل از این صکوک برای خریداران حقیقی باید اعمال شود و دوم، پذیرش این اوراق به‌عنوان وثیقه معتبر برای دریافت تسهیلات بانکی رسمیت پیدا کند. این دو مشوق، اوراق جنگ را از یک «دارایی منجمد تا زمان سررسید» به ابزاری نقدشونده و دارای کارکرد مضاعف تبدیل می‌کند و انگیزه خرید را برای اقشار متوسط و حتی نهادهایی که به‌دنبال وثیقه باکیفیت هستند، افزایش می‌دهد.

الزام سرمایه‌گذاری نهادی

الزام سرمایه‌گذاری نهادی؛ تقاضای خرد به‌تنهائی نمی‌تواند حجم تأمین مالی جنگ را پوشش دهد. تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که نهادهای مالی بزرگ ستون اصلی پذیره‌نویسی اوراق جنگ هستند. در ایران نیز باید حداقلی از منابع سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی به تخصیص بخشی از پرتفوی خود به صکوک جنگ اختصاص پیدا کند. این نهادها به‌دلیل ماهیت بلندمدت تعهداتشان، خریداران طبیعی سررسیدهای میان‌مدت (سه و پنج ساله) هستند و حضور آنها کف تقاضای پایه را تضمین می‌کند و از شکست عرضه اولیه جلوگیری می‌کند.

بازارگردانی و تضمین نقدشوندگی؛ خریدار خرد باید بداند که درصورت نیاز می‌تواند پیش از سررسید از اوراق خارج شود. نبود بازارگردان معتبر، ریسک نقدشوندگی را به‌شدت بالا برده و انگیزه خرید را نابود می‌کند. سازمان بورس باید بازارگردان‌های دارای مجوز را برای این صکوک تعیین کند تا در بازار ثانویه فرابورس، همیشه قیمت خرید و فروش منطقی وجود داشته باشد. نقدشوندگی پایین، بزرگ‌ترین دشمن اقبال عمومی به هر ابزار بدهی است.

بسیج مردمی و شفافیت هزینه‌کرد منابع حاصل از انتشار صکوک جنگ؛ بدون مشارکت مردمی، صکوک جنگ به یک ابزار نهادی محدود می‌ماند. تجربه دوران دفاع مقدس نشان داد که سرمایه اجتماعی بزرگ‌ترین پشتوانه تأمین مالی جبهه بوده است.

امروز باید با استفاده از رسانه‌ها، پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های مردمی، امکان خرید خرد و آسان این اوراق فراهم شود و خرید آن به یک تکلیف ملی تبدیل شود. در کنار این بسیج، شفافیت کامل در مصرف وجوه و حسابرسی مستقل از دولت ضروری است.

اگر مردم ببینند منابع صکوک صرفاً به سرفصل‌های مشخص دفاعی و بازسازی تخصیص پیدا می‌کند و گزارش‌های دوره‌ای منتشر می‌شود، اعتماد حفظ خواهد شد و عرضه‌های بعدی نیز با استقبال مواجه می‌شوند.

در پایان باید اظهار داشت، در شرایط حساس کنونی که تأمین مالی این نبرد سرنوشت‌ساز اولویت اصلی نظام حکمرانی اقتصادی است، صکوک جنگ با ساختاری هوشمند و مبتنی بر اجاره شناور، بدون ایجاد صخره سررسید و فشار تورمی، بهترین مسیر تأمین مالی غیرتورمی است.

این ابزار با تکیه بر مشارکت مردمی، شفافیت و مدیریت تدریجی بدهی‌ها، بار مالی جنگ را توزیع کرده و با جلوگیری از چاپ پول، ثبات اقتصادی را حفظ می‌کند. اتکا به این مهندسی مالی، می‌تواند یکی از تضامین پیروزی در افق شش‌ماهه و سندی برای همبستگی ملی است.

اقتصاد معاصر

اگر مردم ببینند منابع صکوک صرفاً به سرفصل‌های مشخص دفاعی و بازسازی تخصیص پیدا می‌کند و گزارش‌های دوره‌ای منتشر می‌شود، اعتماد حفظ خواهد شد و عرضه‌های بعدی نیز با استقبال مواجه می‌شوند.

واقعیت آن است که موکول کردن بار مالی جنگ به سال‌های آتی و انتشار اوراق بدهی، نه یک انتخاب ایده‌آل، بلکه «خیرالموجودین» برای حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از فروپاشی زیرساخت‌های مالی کشور در کوتاه‌مدت است. در چنین شرایطی، طراحی و انتشار «صکوک جنگ» به‌عنوان یکی از ابزارهای مالی اسلامی، دقیق‌ترین پاسخ به این نیاز راهبردی است.

در بهمن و اسفندماه ۱۴۰۵ باید بیش از ۱۹۳ هزار میلیارد تومان تعهدات بازپرداخت اصل و فرع اوراق منتشره تسویه شود. انتشار اوراق جنگ با ساختار استهلاک تدریجی، بار مالی را در طول زمان توزیع می‌کند و از یک شوک نقدینگی در سال‌های ۱۴۰۵ تا ۱۴۰۷ جلوگیری می‌نماید. تمدید خودکار درصورت بروز اختلالات جنگی، دریچه امنی است که از اعلام رسمی نکول جلوگیری می‌کند.